**ج: سوال:** آیا خبر ثقه حکم شاهد را دارد؟ یعنی اگر عادل موَّثقی خبر دهد به اینکه فلان شخص مجتهد است و یا من از فلان شخص شنیدم که ایشان اجازه اجتهاد دارد یا من برگه اجتهاد ایشان را دیدم . آیا با إخبار از اجتهاد ثابت می­شود که فلان شخص مجتهد است یا خیر؟

**در مسأله دو قول است**.

**قول اول:** مشهور می­گویند إخبار ثقه اجتهاد کسی را ثابت نمی­کند.

**دلیل:** می­دانیم که دلیل حجیَّت أخبار ثقه سیره عقلاء است و این سیره **اولاً** شامل می­شود آن روایاتی که احکام کلیّه شرعیه را ثابت می­کنند مانند کل شیء لک حلال یا مثل لا تنقض الیقین بالشک لذا تعمیم ندارد و شامل موضوعات خارجیه نمی­شود لذا اگر زراره خبر از وجوب نماز جمعه دهد خبر او حجَّت است آما اگر خبر از موضوعی مانند طهارت این آب یا روئیت حلال یا عدالت شخصی بدهد حجَّت نیست و باید خود ما تحقق کنیم و ببینیم آن آب پاک هست یا نجس است یا فلانی عادل است یا خیر؟

**إن قلت:** سیره تعمیم دارد و هم خبر ثقه در احکام و هم در موضوعات خارجیه را حجَّت می­کند به این شخص

**قلت:** این سیره نتنها امضاء نشده بلکه رادع دارد و رادع این سیره موثقه مسعده بن صدقه است که امام فرمود: الاشیاء کلها علی هذا حتی یستبین لک او تقومِ به البینه یعنی اشیاء عالم بر شما حلال است مگر در دو صورت.

**الف:**‌ آنجا که روشن شود که برای تو حرام است مثل اینکه این حیوان مردار است و ذبح نشده است

**ب:** دو عادل شهادت دهند که فلان شیء حرام است.

لذا اگر خبر ثقه در حکم بیّنه بود باید می­فرمود او یقوم به خبر الثقه یعنی صورت سومی هم دارد و آن جای است که خبر ثقه قائم بر حرمت شیء باشد در حالی که امام چنین چیزی نفرمود. و از اینکه نفرمود می­فهمیم که خبر ثقه در موضوعات حجت نیست و فقط در احکام حجَّت است

**قول دوم:‌** برخی از علماء مانند آیت الله خوئی و مرحوم حکیم و أمثال ایشان می­فرمایند:

 خبر ثقه حکم شاهد را دارد

 **دلیل** این گروه سیره است ( قائل به تعمیم سیره هستند ) سیره خبر ثقه را هم در احکام و هم در موضوعات حجَّت می­کند. و ردعی هم از سوی شارع نیامده است و اینکه گفته شد رادع سیره ، موثقه مسعده بن صدقه است درست نیست زیرا موثقه در مقام بیان حصر نیست یعنی نمی­خواهی بفرماید که راه اثبات حرمت اشیاء دو چیز است یکی ظهور علمی و دیگر شهادت دو شاهد عادل چراکه راه اثبات حرمت اشیاء منحصر به این دو راه نیست بلکه راه های دیگر هم وجود دارد. از قبیل:

 **اقرار:** اگر کسی اقرار کند که من سرقت کرده ام کلام او حجَّت است.

 **استصحاب:** ما می­توانیم استصحاب کنیم طهارت یا حلیَّت اشیاء را بر طبق حالت سابقه

**خبر ثقه:** که به کمک آن می­توان حرمت را ثابت کرد. و سایر راه ها مانند ید ، سوق مسلمین.

و اگر حدیث موثّقه مذکور را منحصر در آن دو مورد کنیم تخصیص اکثر لازم می­آید که چنین تخصیصی خوب نیست.

بنا براین برای تعمیم و اطلاق سیره رادعی نداریم .

**نظر استاد:**

ما در تأید قول دوم می­گوییم این سیره نه تنها رادع ندارد بلکه امضاء هم شده است زیرا در بسیاری از موضوعات امامان علیهم السلام خبر ثقه را حجَّت گرفته اند و این دلیلِ بر امضاء سیره است.

**مثال اول:** اگر ثقه ای خبر دهد به اینکه وکیل تو عزل شده است خبر او حجَّت است وسائل باب ۲ من ابواب وکالت حدیث ۱

**مثال دوم:** اگر فروشنده ای عادل خبر دهد به اینکه این کنیزِ موطوئه استبراء شده است خبر او حجَّت است وسائل باب ۶ نکاح العبد

**مثال سوم:** اگر عادل عارف به اوقات شرعیه اعلان کند یا اذان بگوید وقت نماز اثبات می­شود. وسائل باب ۳ ابواب اذان

**مثال چهارم:** ‌اگر ثقه ای به وصیَّت مرده ای خبر دهد کلام او حجَّت است ( وصیَّت از موضوعات است با این

وسايل باب ۹۷ من ابواب الوصیه

**مثال پنجم:** اگر کسی خبر دهد که فلانی به من گفت لباس او نجس است با او نماز نخوان با کلام او نجاست لباس ثابت می­شود باب۴۷ من ابواب نجاسات

**إن قلت:**اجتهاد ثابت شدنی نیست برای اینکه اجتهاد ملکه درونی است و لذا قابل دیدن نیست لذا با شهادت و خبر دادن اثبات نمی­شود

**قلت:**

ا**ولاً** نقض می­شود به عدالت زیرا عدالت ملکه نفسانی است و قابل روئیت نیست همانگونه که عدالت به شهادت و اخبار ثقه ثابت می­شود همچنین اجتهاد مجتهد هم ثابت می­شود.

**ثانیاً** مراد ما از اثبات چیست؟ اثبات یعنی علم به مشهودٌ به مثلا خورشید در روز مشهودٌ به است یعنی به توسط روشنای پی به خورشید می­بریم و علم پیدا می­کنیم که خورشید طلوع کرد سرخی مشرقیّه را می­بینیم لذا علم پیدا می­کنیم در این جا هم اجتهاد مشهود به است یعنی اشعه و انواری دارد که ما علم به وجود ملکه استنباط برای شخصی پیدا می­کنیم نظیر عرفان، عدالت، سلوک.